

قرآن کلام معرفتی

میزگرد علمی - کاربردی ارتقای کمی و کیفی کتاب‌های آموزش دینی

محمد حسین معتمد راد

اشاره

در این نشست که در ادامه مشروح آن از نظر تان خواهد گذشت، موضوع عمومی بحث «ارتقای کمی و کیفی کتاب‌های آموزش دینی» بود و به‌طور مشخص، **بیست و هفتمین سند راه‌نمای ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی** که به آموزش دینی اختصاص دارد، نقد و بررسی شد. گرچه این انتقاد جای تأمل دارد که چرا برخی فارغ‌التحصیلان نظام تعلیم و تربیت کشور، پس از گذراندن آموزش‌های دینی در مدرسه و دانشگاه، و حتی رسیدن به درجه‌ی استادی در دانشگاه، هنوز در خوانی قرآن مجید مشکل دارند، لیکن این واقعیت نیز وجود دارد که تنها مسئولیت بخشی از تعلیمات دینی بر عهده‌ی **وزارت آموزش و پرورش** است و در این زمینه، نقش سایر نهاد‌های اجتماعی، از جمله **خانواده**، و به‌ویژه نهاد‌هایی که وظیفه‌ی سنگین تبلیغ و ترویج مفاهیم دینی را به‌طور گسترده در جامعه بر دوش دارند، بسیار خطیر است؛ به‌گونه‌ای که حتی آموزش و پرورش را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در خصوص سند راه‌نمای ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی دینی هم نظرات متفاوتی مطرح شد که می‌توانید در متن گزارش بخوانید.

شرکت‌کنندگان در این نشست عبارت بودند از: **حجت الاسلام ذوعلم**، مدیر کل دفتر تألیف و برنامه‌ریزی درسی، **علیرضا حاجیان زاده**؛ دبیر هفتمین جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد، **دکتر محمد امین طالب شهرستانی**؛ مدیر انتشارات جهان‌رایانه، **حجت الاسلام علی صدوقی**؛ کارشناس برنامه‌ریزی درسی، **سیدمحمد دلبری**؛ کارشناس برنامه‌ریزی درسی، **غلامعباس سرشور خراسانی**؛ کارشناس برنامه‌ریزی درسی، **بهروز رضایی**؛ سردبیر مجله‌ی رشد دانش‌آموز، **یونس باقری**، مدیر داخلی مجله‌ی رشد آموزش قرآن و **دکتر شهین ظهوریان**؛ دبیر آموزش و پرورش.

۲۵۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۷

۵۰

دلبری: در جشنواره‌ی سال ۱۳۸۴، هیئت داوران در بیانیه‌ی خود اعلام کرد، چون کتاب‌های وارده امتیازات لازم را کسب نکردند، جایزه‌ای برای هیچ یک در نظر گرفته نشد. از همان جا ما به ضرورت تدوین و انتشار سند راهنما در حوزه‌ی **تعلیم و تربیت دینی** برای ناشران پی بردیم؛ سندی که سبب شود، کتاب‌های جشنواره‌ها از غنای بیشتری برخوردار شوند. در نشست با دوستان «دفتر انتشارات کمک آموزشی» به این نتیجه رسیدیم که این سند تهیه شود.

در تهیه‌ی محتوای این سند دریافتیم که بهترین محتوا، بخش **تعلیم و تربیت برنامه‌ی درسی** است. بنابراین برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی به‌عنوان پایه قرار گرفت و نوشتن سند آغاز شد که چندین بار هم مورد اصلاح قرار گرفت. این سند شامل چند بخش است:

بخش‌های اول و دوم به مبانی تعلیم و تربیت دینی و چگونگی و چرایی مباحث تعلیم و تربیت دینی پرداخته‌اند و در ادامه توجه به تفکر **عقلی، جمع‌گرایی عقل و عرفان، و زیباگرایی و اعتدال‌گرایی** که براساس مبانی استخراج شده آمده است.

بخش بعدی به اصول حاکم بر برنامه‌ی درسی اختصاص دارد که شامل ۱۶ مورد است و برخی از مهم‌ترین آن‌ها در سند ذکر شده‌اند. و در **بخش بعدی**، موضوعات اصلی که در آموزش دین اهمیت دارند، مطرح شده‌اند.

بخش دیگر مستقیماً به حوزه‌ی آموزش و پرورش وارد می‌شود و شامل اهداف کلی آموزش از ابتدایی تا پیش‌دانشگاهی است: با توجه به همین اهداف، موضوعات تفصیلی تا دوره‌ی پیش‌دانشگاهی ارائه شده‌اند.

در **بخش بعدی**، آموزش و اهداف آن مورد بررسی قرار گرفته که براساس تمایز مخاطب معلم و دانش‌آموز، به دو قسمت تفکیک شده است: در **قسمت اول**، کتاب‌های آموزشی معلمان که، شامل: کتاب‌های **مرجع، دانش‌افزایی، تدریس، راهنمای معلم و ارزش‌یابی و سنجش پیشرفت تحصیلی** معرفی شده‌اند و در پایان هم ویژگی‌های عمومی و اختصاصی هر کدام از این کتاب‌ها را ذکر کرده‌ایم. در **قسمت دوم** به کتاب‌های دانش‌آموزان اختصاص دارد که عبارت است از: کتاب‌های **دانش‌افزایی، کار و تمرین، و تصویری یا نیمه‌تصویری** که ویژگی‌های عمومی و اختصاصی هر یک را ذکر کرده‌ایم. در پایان سند، نیازهایی که ضرورت بیشتر داشتند، معرفی کرده‌ایم و از ناشران خواسته‌ایم، در پاسخ به این نیازها کتاب‌های خود را تولید کنند.

ذو‌علم: اگر به چارچوب آن‌چه به‌عنوان **آموزش دین** مطرح می‌شود، اکتفا کنیم، راه به جایی نمی‌بریم؛ زیرا این چارچوب محدود است. مگر این که با افقی فراتر از چارچوب‌های مطرح شده حرکت کنیم تا در **آموزش و پرورش**، بحث دین به مقوله‌ای تأثیرگذار مبدل شود. همه‌ی تلاش‌هایی که از جانب ناشران، مؤلفان و برنامه‌ریزان درسی انجام می‌گیرند، قابل تقدیرند، اما باید به سمتی هدایت شوند که تأثیرگذار باشند.

ما در آموزش دین باید برسیم: «**دین چیست و ما دین را چه می‌دانیم؟**» پاسخ مرسوم و رایج این است که دین تمام معلومات و اطلاعاتی را شامل می‌شود که به فرد کمک می‌کنند تا به امور عبادی و اخلاقی بپردازد. اما اگر دین را، راه کمال و صراط مستقیم بدانیم که در تمام

در تهیه‌ی محتوای
این سند دریافتیم
که بهترین محتوا
بخش تعلیم و تربیت
برنامه‌ی درسی است

۲۵۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۷

۵۱

مراحل زندگی انسان، از نقطه‌ای در درون او، یعنی فطرت و سرمایه‌ی درونی که در وجودش قرار داده شده است، او را به سمت خویش می‌خواند و به سوی انسان کامل سوق می‌دهد، با معنایی بسیار وسیع‌تر روبه‌رو می‌شویم. به نظر می‌رسد، براساس اسلام ناب که امام برای ما بازخوانی کردند، معنای دوم دین برای ما پذیرفته شده است. همه‌ی متفکران اسلامی هم همین زاویه را می‌جسته‌اند.

برخی از منتقدان مطرح می‌کنند، ما به هر کدام از کتاب‌ها نگاه می‌کنیم، دین را می‌یابیم. مثلاً ادبیات، هنر و زیست‌شناسی همه از دین سخن می‌گویند و اساساً هم باید همین طور باشد. و دین باید به‌عنوان تشکیل‌دهنده‌ی عناصر باید تلقی شود. اما وقتی سخن از آموزش دین مطرح می‌شود، باید هدف آن بررسی شود؛ آیا هدف انتقال صرف دانسته‌هاست برای امتحان و نمره، یا غرض دیگری در کار است؟ اگر آموزش دین به معنای آماده ساختن مخاطب برای پذیرش آموزه‌های دینی، القا و اتصال این آموزه‌ها به او، و کمک به او برای دستیابی به آموزش‌های متعالی دینی است، در این صورت باید تعریف دیگری از کتاب‌های آموزش دین داشته باشیم. مثلاً اگر کتاب هنری قابلیت انتقال مفاهیم دینی را داشته باشد، آیا می‌توانیم آن را کتاب دینی بدانیم؟ اگر ما تعریفی جامع و فراتر از دسته‌بندی‌های قبلی داشته باشیم، آموزش را فراتر از مفاهیم ذهنی فعلی تعریف کنیم، و ایجاد علاقه، تفکر، انگیزه و شناخت دینی و تعقل عمیق در دانش‌آموزان و تغییر چهره‌ی عالم و آدم را در نظر بگیریم، در این صورت کتاب آموزشی باید مجدداً تعریف شود.

در عین حال، با در نظر گرفتن معنای عام آموزش، هر ابزار فرهنگی می‌تواند آموزش‌دهنده در جهت مثبت و منفی باشد. در این معنا، هیچ کتابی غیر آموزشی نخواهد بود؛ یعنی حتی رمان هم آموزشی است. ولی در حوزه‌ی خاص آموزش، ما ناگزیریم طبقه‌بندی دیگری داشته باشیم شامل کتاب درسی، کتاب کمک‌درسی و کتاب غیردرسی. ما به کتاب غیردرسی - یا به اصطلاح آموزشی - کمتر بها داده‌ایم و دانش‌آموز را محدود کرده‌ایم که هرچه را ما به او ارائه می‌کنیم، بخواند. در حالی که می‌توانیم او را موظف کنیم. به‌عنوان بخشی از برنامه‌ی درسی، به سراغ کتاب غیردرسی آموزشی برود.

ما باید بتوانیم این زمینه را فراهم کنیم که کتاب‌های غیردرسی و به معنای عام دینی، در بطن بخش درسی رشد کند. یعنی مثلاً ۵۰ درصد عناوین کتاب دینی اول راهنمایی را در کتاب‌های دیگر غیردرسی در اختیار دانش‌آموز قرار دهیم و حتی این مطالب را هم به نوعی ارزش‌یابی کنیم. مسئله اصلی ما این نیست که جوانان مسائل ریشه‌ای را در بعد شناختی درک نمی‌کنند و یا در باور کلامی قبول ندارند، بلکه در جایی است که این باور باید به نگرش و رفتار تبدیل شود. ما در این نقطه دچار کاستی هستیم. البته کتاب به تنهایی قادر به رفع این مشکل نیست، ولی قطعاً کتاب هم نقش دارد. متأسفانه ما هنوز نتوانسته‌ایم، با اهرم‌های کتاب، کلاس، معلم و مدرسه، با روشی تأثیرگذار، به آموزش دین به معنای گسترده برسیم و تا نقطه‌ی مطلوب فاصله‌ی زیادی داریم.

ما در آموزش‌هایمان کمتر نیازهای مخاطب را در نظر گرفته‌ایم و به تعبیری، مسئله را کلامی دیده‌ایم. آیا این می‌تواند مشکل ما را حل کند؟ تعریف ما از «قرآن» به‌عنوان کلام معرفتی،

همه‌ی تلاش‌هایی که
از جانب ناشران
مؤلفان و برنامه‌ریزان
درسی
انجام می‌گیرند
باید به سمتی
هدایت شوند که
تأثیرگذار باشند

۲۵۹۱۹۲
زمستان ۱۳۸۷

۵۲

در حوزه‌ی خاص آموزش
ما ناگزیریم
طبقه‌بندی دیگری
داشته باشیم
شامل کتاب درسی
کمک درسی
و کتاب غیردرسی

این است که هدایت و بصیرت است. ما در جذب بچه‌ها به دین، تا چه حد به این محور توجه می‌کنیم؟ اگر در دنیای معاصر، مهم‌ترین چالش بین‌گفتمان اسلام ناب و گفتمان تجدد و مدرنیته است، ما تا چه حد این چالش را در آموزه‌های دینی خودمان دیده‌ایم؟ چه قدر به نقد غرب به‌عنوان عنصر حاکم بر تمام لایه‌های زندگی و دین‌شناسی ما پرداخته‌ایم؟ این که نگاه دین‌شناسی ما هم متأثر از یک نگاه غربی شکل می‌گیرد، را تا چه حد به‌عنوان تعارض امروز در مباحث دین‌شناسی تبیین کرده‌ایم؟ به‌نظر می‌رسد ما در بخش نیازسنجی، مخاطب‌شناسی، محیط‌شناسی و اولویت‌گذاری، محتاج بازنگری هستیم و این ملاحظات برای ارتقای آموزش دین لازم است.

دکتر شهرستانی: ما در پایان راهی ده‌ساله هستیم که این جزوات ۲۷‌گانه منتشر شده‌اند. با جشنواره‌ی امسال، این کار ده‌ساله پایان می‌پذیرد. این وسیله‌ای برای سنجش است. اما به لحاظ دغدغه‌ها باید بگوییم، در جلسات قبل ما به این پرسش رسیدیم که اصولاً کتاب درسی و تفاوت آن با کتاب کمک درسی چیست؟ اگر واقعاً کتاب‌های کمک درسی در جهت حل نواقص آموزشی با یکدیگر همراه شوند، چرا دولت به رقابت با بخش خصوصی بپردازد؟ و چرا بحث ۹۶۰ عنوان کتاب درسی به مسیری برود که بخش خصوصی برای کارسازی خود، داستان جدیدی به نام کمک درسی به راه بیندازد؟ آیا واقعیت این داستان کمک درسی است؟ آیا بهتر نیست با جدی گرفتن نظام چندتالیفی، این دو خط را در یک مسیر هدایت کنیم و دولت وظیفه‌ی نظارت خود را به‌عنوان مدیر اعمال کند.

ما باید از این سه حیطه‌ی **شناختی، عاطفی و کنشی** پارافراتر بنهیم. چراندانش آموخته‌ای که فارغ‌التحصیل شده و استاد دانشگاه است، در روخوانی و روان‌خوانی قرآن مشکل دارد؟ آیا اگر روخوانی، روان‌خوانی، حفظ، تجوید و... قرآن را در این دوازده سال ببینیم، همین واقعاً ذات قرآن است و عمل به قرآن همین رانبال می‌کند؟ ما در طراحی این سند، از این موارد نامی نبرده‌ایم. هم‌چنین معتقدیم، پیامبر در سال آخر عمر خود در غدیر خم وصیتی کردند و خداوند گفت که بگو و اگر نگویی رسالت را انجام نداده‌ای. و چه چیزی را بگوید؟ این که دو امانت را بین ما به



یادگار گذاشته است: اول **کتاب الله** و دوم **عترت**. ما می‌گوییم کتاب خدا، کتاب مرجع و کتاب مسائل است. آیا ما واقعاً به قرآن به‌عنوان کتاب مرجع نگاه کرده‌ایم؟ بعد از قرآن هم ائمه هستند که به آن‌ها قرآن ناطق می‌گوییم.

انتظار ما از کتاب کمک‌آموزشی پر کردن حفره‌هایی است که کتاب درسی قادر به پر کردن آن‌ها نبوده است

حاجیان زاده: من به چند نکته اشاره می‌کنم. مطالب کتاب‌های دینی متناسب با برنامه‌ی درسی دینی است و آموزش دین به معنای خاص خود است. من فکر می‌کنم این جزوات بر این مبنای تنظیم شده‌اند و ما در یک جزوه، تمام محتوای دین را پاسخ گو نبوده‌ایم و بخشی از آن را دنبال کرده‌ایم. یک بخش از کار ما در ارتباط با کتاب‌هایی است که می‌خواهند مستقیماً دین را آموزش بدهند؛ اعم از کتاب درسی و غیردرسی که مستقیماً طالب انجام کار دینی هستند. منطق تولید کتاب‌های کمک‌درسی آن‌گونه نیست که آقای **شهرستانی** مطرح کردند. یعنی این‌گونه نیست که ناشران برای کسب و کار به دنبال تولید کتاب کمک‌درسی و آموزشی باشند. منطق تولید این‌گونه کتاب‌ها پاسخ‌گویی به تفاوت‌های فردی است و تازمانی که طرح چندتالیفی اجرا نشده است، توقع ما و ناشران از کتاب کمک‌درسی و آموزشی پاسخ‌گویی به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان است. بی‌شک یک سند کتاب درسی قادر به پاسخ‌گویی به همه‌ی نیازها نخواهد بود، زیرا در کتاب درسی حد متوسط رعایت شده است. انتظار ما از کتاب کمک‌آموزشی پر کردن حفره‌هایی است که کتاب درسی قادر به پر کردن آن‌ها نبوده است. البته این هم ضعف کتاب درسی نیست، زیرا کارکرد کتاب درسی همین است.

نکته‌ی دیگر این است که مقصود ما از کتاب دینی، کتابی است که مستقیماً آموزش دین می‌دهد. البته از این هم غافل نیستیم که رویکرد دینی باید در همه‌ی امور باشد. ما معتقدیم، در این زمینه به سه موضوع باید توجه داشت: اول، «**نگاه توحیدی**»، اگر در علمی نگاه توحیدی وجود داشته باشد، آن علم، علم دینی است. دوم، «**رویکرد دینی علوم**» است که در نگاه توحیدی قابل تعریف است. و سوم «**منابع اطلاعاتی**» است که باید رنگ و بوی دینی داشته باشد. نقطه‌ی مشترک تمام بحث‌های مطرح شده، رفتار دینی است و این نقطه‌ی تفاوت سایر دروس با این درس است.

ما در ریاضی و فیزیک به ارتقای مهارت‌ها می‌پردازیم، اما در بحث دینی نه تنها مهارت‌ها، بلکه تأثیرگذاری بر شخصیت و وجود افراد مطرح است. در نتیجه، وقتی ما بحث رفتار را مطرح می‌کنیم، نباید آن را از علم جدا کنیم. قطعاً رفتار نشئت گرفته از علم و بصیرت دینی است. اگر ما از طریق علم دینی، بصیرت دینی ایجاد کنیم، موفق خواهیم بود. ما در زندگی انبیا می‌بینیم که پشتوانه‌ی انبیا علم ایشان است که به معصومیت منجر می‌شود. ما هم که از ایشان پیروی می‌کنیم، معتقدیم اگر نمی‌توانیم معصوم باشیم، باید عادل باشیم. و پشتوانه‌ی عدالت برای ما، هم همین علم و بصیرت است. در نهایت ما به دنبال آن هستیم که دانش‌آموزان و معلمان در زندگی خود دین را احساس کنند. ما می‌توانیم از مدیریت دینی برای رفع مشکلاتمان استفاده کنیم، اما این موضوع نیازمند برنامه‌ریزی است.

خراسانی: ما برای تمام مراحل فکر می‌کنیم، ولی وسیله‌ی اجرای این تفکرات مربیان

۲۵۹۱۹۲
زمستان ۱۳۸۷

۵۴

هستند. که هیچ کاری در زمینه‌ی توانمند کردن آن‌ها نکرده‌ایم. تا بسترسازی مناسب آموزشی اندیشه‌ای نداشته باشیم به هیچ‌جا نخواهیم رسید. در همه‌ی کشورها برای تربیت مدرس، عالمانه و عاقلانه کار می‌شود. باید بین مربیان، خانواده‌ها، اجتماع و رسانه‌ها هماهنگی وجود داشته باشد.

دیگر این که بعضی از کتاب‌های دینی ما با زبان مخاطب نوشته نشده‌اند و با روان‌شناسی مخاطب جلوتر نمی‌روند. حدیث و داستان را صرفاً ترجمه کرده‌اند. دانش‌آموز این کلام را نمی‌فهمد و با آن بیگانه است. نمی‌دانم، شاید نویسنده خود را ملزم به امانت‌داری می‌داند، ولی این امانت‌داری به ضرر مخاطب است و نویسنده مهجور می‌ماند.

رضایی: در بحث آسیب‌شناسی، قبول داریم که بعضی از کتاب‌های دینی ما متأسفانه به تعمیق عقلانی نرسیده‌اند. به نظر من ریشه‌ی این موضوع، تأثیر فضای فرهنگی است که بر آن هم افراط و تفریط حاکم است.

نکته‌ی مهم این بحث بصیرت است که ما در کتاب‌های آموزشی و درسی آن‌ها را کمتر می‌بینیم و باید به مسئله‌ی **بصیرت‌گرایی** دقت کنیم. در پایان این که ادبیات کتاب‌های ما معمولاً با نسل حاضر ارتباط برقرار نمی‌کند.

باقری: سند دینی از سند قرآن جدا شود، همان‌طور که کتاب‌های دینی و قرآن در آموزش و پرورش از هم جدا هستند. در آموزش و پرورش غیر از سند کتاب‌های کمک‌آموزشی سندی هم برای کتاب‌های درسی داریم. خوب است سندهای کتاب‌های درسی به صورت خلاصه برای ناشران تهیه شود تا تفاوت کتاب‌های کمک‌درسی و درسی مشخص شود.

صدوقی: تربیت دینی نیازمند زمینه‌سازی است و زمینه‌ی آن هماهنگی بین تمام مسائلی است که در ارتباط با دانش‌آموز هستند. دلیل آن هم این است که ما در جامعه‌ای باز زندگی می‌کنیم. آیا کتاب دینی ما برای دانش‌آموز در جامعه باز نوشته می‌شود یا ما این جامعه‌ی باز را در تعاریف لحاظ نکرده‌ایم. به اعتقاد من، بچه‌ای مخاطب ماست که هم قدرت تحلیل دارد و هم به خودسازی خود و دیگران کمک می‌کند. آیا کتاب‌های ما در این راستا هستند و با توجه به تمام شرایط تأثیرگذار در جامعه، باز این دانش‌آموز می‌تواند به تحلیل و نقادی برسد و خود را نجات بدهد؟

نکته‌ی بعدی این است که به نظر من تربیت دینی باید با ایجاد تسهیلاتی برای دانش‌آموز، به شکوفایی فطرت وی کمک کند و موانع را از میان بردارد که این در جامعه‌ی باز مقدور است. ما در تولید کتاب‌های آموزشی سعی کنیم قدرت تحلیل دینی به دانش‌آموزان بدهیم و حوزه‌ی شناختی او را تقویت کنیم.

ظهوریان: رسانه‌های جمعی مثل تلویزیون، باید آموزه‌های دینی از جمله آموزه‌های قرآن را معرفی کنند. ما باید بین واقعیت و عمل پلی بزنیم. آن‌چه شما می‌گویید، نظرات واقعی است،

**سندهای
کتاب‌های درسی
برای ناشران
تهیه شود
تا تفاوت
کتاب‌های
کمک‌درسی و درسی
مشخص شود**

۲۵۹۱۹۲

زمستان ۱۳۸۷

۵۵

در تولید
کتاب‌های آموزشی
سعی کنیم
قدرت تحلیل دینی
به دانش‌آموزان
بدهیم
و حوزه‌ی
شناختی او را
تقویت کنیم

ولی در عمل چگونه است؟ آیا آن چه نوشته‌اید، در مدارس به عمل درمی‌آید؟ الان بعضی از کتاب‌های آموزشی دینی بارویکرد کنکور، به بازار تبدیل شده‌اند؛ باید جلوی این بازار را گرفت.

ذو علم: نمی‌توان جمع‌بندی داشت، زیرا بحث کامل نشده است. جزوه‌ی ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی دینی، حداقل‌های درستی را مطرح کرده است. اگر همین حداقل‌ها توسعه یابند، مفید خواهد بود. این تلاش گرچه تعریف کتاب دینی را به ناشران منتقل کرده است، ولی باید بر تعریف دین و گوناگونی ابزارها هم تأکید شود. ناشران و مؤلفان باید خود پیش‌تاز باشند و منتظر دستگاه حاکمیتی نشوند. باید به‌عنوان یک رسالت مستقل، در بخش دینی جامعه وارد صحنه شوند. کتاب به‌عنوان یک رسانه‌ی مستقل و تأثیرگذار، حتماً نباید توسط معلم تدریس شود و می‌تواند به‌عنوان یک رسانه‌ی دیداری و شنیداری مؤثر باشد. ما تا چه حد از این ظرفیت استفاده کرده‌ایم؟

نوآوری در کتاب‌های کمک‌درسی هم مقوله‌ی قابل توجهی است. ما بسیاری از مسائل را نمی‌توانیم در کتاب‌های درسی مطرح کنیم، زیرا کتاب درسی محدودیت دارد. بنابراین حتماً آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و ناشران، از انتشار کتاب‌هایی که بتواند این‌گونه مسائل را پوشش دهند، استقبال می‌کنند. ما در وضعیتی هستیم که از گذشته بهتر است، ولی در لایه‌های جامعه هنوز انس با کتاب‌های دینی برقرار نشده است که یک تلاش ملی و جمعی را می‌طلبد.